

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۳، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره ۲۵

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۷۴-۵۵

مکتوبه‌های حدیثی در روایات امامان شیعه و نقش علی بن مهزیار در نگهداری و انتقال آنها

مجید معارف*

سعیده کاظم توری**

چکیده

کتابت، از طرق تحمل حدیث است. راوی از طریق مکاتبه با محدثان و در شرایطی با امام علیه السلام ارتباط برقرار می‌کند و از او درخواست حدیث یا در یک مسئله شرعی تقاضای فتوا می‌نماید. در روایات شیعه، پرسش و پاسخ با امام معصوم علیه السلام به صورت مکتوب و غالباً توسط پیک صورت گرفته است. برخی محدثان بر این باورند که مکتوبات حدیثی از اعتبار کمتری نسبت به مسموعات برخوردار است، اما با بررسی این دسته از روایات و وجود قراین و شواهدی، بر تأیید صدور آنها صحت بسیاری از مکتوبات محرز می‌شود. از امتیازات مهم مکتوبات حدیثی، عدم نقل به معنا در آنهاست. در هر عصر و زمانی، عده‌ای از یاران ائمه علیهم السلام مسئول جمع‌آوری سؤالات شیعیان و دریافت پاسخ کتبی آن سؤالات از امامان علیهم السلام بوده‌اند. مکاتبات عبدالملک بن اعین با امام صادق علیه السلام نمونه‌ای از این موارد است. علی بن مهزیار اهوازی محدثی صاحب اندیشه و دارای ذهن دوراندیش بود که با جمع‌آوری، حفظ و صیانت شمار متعددی از مکتوبات آن را به نسل‌های بعد از خود انتقال داد. علاوه بر آن نیز او از طریق مکاتبه با امامان عصر خود، از جمله امام جواد و امام هادی علیهم السلام به دامنه صدور مکتوبات حدیثی در شیعه افزوده است.

کلیدواژه‌ها: امامان معصوم علیهم السلام، روایات، مکتوبات، رسائل، مسائل، علی بن مهزیار.

* استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، نویسنده مسئول / maaref@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده اصول الدین تهران / skazemtouri@yahoo.com

۱. مقدمه و بیان مسئله

یکی از اقسام احادیث صادره از معصومان علیهم السلام روایاتی است که در پاسخ به سؤالات شیعیان به خط ایشان مرقوم شده و عالمان حدیثی با جمع‌آوری، حفظ و نگهداری آن‌ها برای نسل‌های بعد تلاش کرده‌اند. در این میان، یکی از محدثان نامدار قرن سوم، علی بن مهزیار اهوازی است که در روایات موجود از ایشان، مصادیقی از مکتوبات حدیثی به چشم می‌خورد. با توجه به این موضوع، پرسش‌های مورد پژوهش این است: ۱. درصد احادیث مکتوبه‌ای در حدیث شیعه به چه میزانی بوده و به دنبال آن این احادیث از حیث اعتبار در سطح احادیث مسموعه است یا وضعیت دیگری دارد؟ ۲. نقش علی بن مهزیار اهوازی در توسعه مصادیق مکتوبه‌های حدیثی چه بوده و نیز آن بزرگوار چه نقش و مسئولیتی در شناسایی مکتوبه‌های دوره‌های قبل از خود و حفظ و نگهداری آن‌ها به‌عنوان بخشی از مواریث به‌جامانده حدیثی ایفا کرده است؟^۱

برای پرداختن به موضوع مقاله و پاسخ به پرسش‌های مطروح، دانستن چند مطلب مقدماتی ضروری است:

۱-۱. اصطلاحات: مکتوبه، مسائل، توقیع، رساله

از جمله اصطلاحات علم الحدیثی به‌ویژه در تحقیقات علمای شیعه آشنایی با مفاهیم مکتوبه، مسائل، توقیعات و رساله است.

– **مکتوبه:** مراد از مکتوبه، آن دسته از روایات ائمه علیهم السلام است که به‌صورت مکتوب توسط معصوم به اصحاب ایشان رسیده است؛ به‌عبارت دیگر مکتوبات حدیثی، پاسخ امامان در ذیل پرسش‌هایی است که شیعیان از نقاط مختلف ارسال می‌کرده‌اند. (معارف، ۱۳۷۶، ص ۳۴۴) این روایات عموماً با عباراتی چون «کتبت» یا «کتب الی...» و... در میان روایات مشاهده می‌شود. نامه‌ها یا رسائل امامان شیعه نیز بخشی از مکتوبات را تشکیل می‌دهد.

– **مسائل:** مراد از مسائل، آن دسته از پرسش‌هایی است که شیعیان در مقام انجام تکالیف دینی یا در برخورد با مخالفان خود، با شرف‌یابی به محضر ائمه علیهم السلام یا از طریق مکاتبه حکم آن را از امامان معصوم جویا می‌شدند. (همان، ص ۳۴۱) به‌عبارت دیگر، به

پرسش‌های مخاطبان و پاسخ‌های شفاهی یا کتبی امام علیه السلام مسائل گفته می‌شود؛ مانند مسائل علی بن جعفر علیه السلام این نوع روایات در زمینه فروع فقه و با عناوینی چون سأل، سألته و سئل و... در میان روایات دیده شده است. (داوری، ۱۴۲۶ق، ص ۲۶۵؛ غلامعلی، ۱۳۸۸، ص ۴۷، ۵۱ با اندکی تغییر)

– **توقیع:** توقیع، از ریشه وقع، در لغت به معنای اثر جهاز شتر بر پشت حیوان است. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۷۵) اصطلاح توقیع نیز از همین معنا گرفته شده است؛ زیرا توقیع نوشته‌ای بر حاشیه و پشت شکایات به خط سلطان یا برخی از فرمانروایان بود که بر رسیدگی به شکایات تأکید می‌کرد. (زیبیدی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۵۲۲، ذیل وقع) در *لسان العرب*، توقیع در نوشته به معنای ملحق کردن چیزی به آن بعد از تمام شدن آن است. (ابن منظور، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۴۰۶) بنابراین، توقیع به پاسخی با دستخط سلطان یا کارگزار بر صدر و ذیل یا پشت نامه گفته می‌شود، یا الحاقاتی است که در پاسخ به یک نامه از سوی شخصی برتر مانند حاکم یا سلطان، ضمیمه یک نامه می‌شود.

در معنای اصطلاحی محدثان، توقیع مکتوباتی است که پاسخ پرسش‌های همان نامه به خط مبارک امام معصوم علیه السلام در زیر و روی کلمات، یعنی سطور مندرج گردد (بهبودی، ۱۳۷۸ش، ص ۳۴۴) یا به معنای یادداشتی است که امام در انتهای یک نامه نوشته‌اند. در برخی موارد اثر مهر امام نیز در نوشته موجود بوده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۶۳؛ طوسی، ۱۴۰۱ق، ج ۹، ص ۳۱) این مطلب در بعضی از روایات مکتوب به‌ویژه روایات مربوط به امام عصر علیه السلام تأیید شده است. (صدوق ۱۳۹۵ق، ص ۲۱۶) شاید به این دلیل، مکتوبات ائمه علیهم السلام عنوان توقیع به خود گرفته است که آن بزرگواران انتهای نوشته‌های خود را مهور به نام خود می‌کردند.

– **رساله:** واژه رساله در فرهنگ لغات از ریشه «رسل» به معنای فرستادن است و به هر چیز که فرستاده می‌شود، رساله می‌گویند. این واژه به کتاب کوچکی که در بردارنده مسائل اندکی در یک موضوع باشد، اطلاق می‌شود. (ابراهیم و همکاران، ۱۳۹۲ق، ص ۳۳۴، ذیل ماده رسل؛ آذرتاش، ۱۳۹۳ش، ص ۲۳۵) در اصطلاح سبک‌شناسی، رساله به نامه مستقلی گفته می‌شود که امام علیه السلام در پاسخ فرد یا گروهی ارسال می‌کند. در میان

رسائل اهل بیت علیهم السلام می توان به رسائل الحفوق امام سجاده علیه السلام (صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۵۶۰-۵۶۴) و رساله فی رد علی العبر والتفویض امام هادی علیه السلام اشاره کرد. (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۵۸-۴۷۵) کلینی صاحب کتابی موسوم به رسائل الاثمه بوده است که رد پای آن هنوز وجود دارد. رسائل الاثمه به همت ثامر العمیدی و همچنین آقای احمدی میانجی در کتابی به عنوان مکاتیب الاثمه در دو کتاب مجزا جمع آوری شده است. گفتنی است رساله تفاوت اندکی با توقیع دارد. در توقیعات، پاسخ های امام بسیار مختصرتر از رساله است و امام علیه السلام در حاشیه همان نامه ارسالی، پاسخ را می نوشته اند. ولی در رساله، پاسخ به صورت مستقل و جدا از نامه حاوی پرسش ارسال می شد. (غلامعلی، ۱۳۸۸ق، ص ۶۰)

در نسبت ارتباط مکتوبه با مسائل، توقیع و رسائل می توان گفت که به دستخط امام علیه السلام مکتوبه اطلاق می شود و این به عنوان قسیم، مقسم هایی پیدا می کند که عبارت از رسائل و مسائل است. رسائل نامه ها و دستورالعمل هایی است که امامان ابتدا به ساکن برای راهنمایی شیعیان ارسال می کردند. مسائل سؤالات شرعی شیعیان است که برای امامان علیهم السلام ارسال می کردند و امام به آنها پاسخ کتبی می داده است. در ضمن به اعتبار آنکه گاه در پایان رسائل یا مسائل، مهر یا خاتم امامان ثبت می شده، به رسائل یا مسائلی که مهور به مهر یا امضای امامان بوده است، توقیع هم می گفته اند. (معارف، ۱۳۷۶ش، ص ۳۳۹-۳۴۴)

۱-۲. سابقه ظهور مکتوبات

در سیره رسول الله صلی الله علیه و آله شواهدی وجود دارد که آن بزرگوار روایاتی را املا و حضرت علی علیه السلام آنها را مکتوب کرده است که حاصل آن کتاب ها، کتاب جامعه و مصحف امیر المؤمنین علیه السلام است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۳۸) در ضمن، طبق روایات اهل سنت، امیر المؤمنین علیه السلام دارای مکتوباتی بوده است که در روایات، به آن صحیفه علی علیه السلام تعبیر می شود. (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۸۱؛ ابن حنبل، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۵).^۲ علاوه بر آن در دوران امیر المؤمنین علیه السلام آن بزرگوار بخشی از دستورالعمل های حکومتی را به شکل نامه و عهدنامه مرقوم داشته اند و در حال حاضر در نهج البلاغه ۷۹ نامه و در کتاب نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه محمدباقر محمودی حدود

۳۰۰ نامه به چشم می‌خورد. (محمودی، ۱۹۶۸م، ج ۴ و ۵) اما مطالعه در روایات ائمه طاهرین نشان می‌دهد با گسترش جامعه اسلامی و پراکندگی شیعه (معارف، ۱۳۹۴ش، ص ۳۵۵؛ طوسی، ص ۶۷-۶۸) گاهی شیعیان سؤالات خود را از طریق نمایندگان و کلا، یا پیک خدمت امامان علیهم‌السلام می‌فرستادند؛ به‌ویژه در دوران امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام، ایشان با خط خود پاسخ می‌دادند. برای نمونه، مکتوبه امام باقر علیه‌السلام به دو نامه سعد الخیر است که در روضه کافی، کلینی متن دو نامه را آورده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۵۶) نمونه دیگر، مکتوبه امام صادق علیه‌السلام به نامه عبدالملک بن اعین است که درباره ایمان از امام صادق علیه‌السلام سؤال کرده بود. این نامه در کتاب کافی در کتاب «الایمان والکفر» آمده است. (همان، ج ۲، ص ۲۷) اما ظهور مکتوبات به شکل خاص از دوران امام کاظم علیه‌السلام در روایات شیعه با افزایش همراه بوده است. از دلایل این امر می‌توان به گسترش تشیع در جهان اسلام، دوری بین مسافت مناطق شیعه‌نشین و مراکز استقرار با امام علیه‌السلام، بازگشت خفقان در حوزه شیعیان، حبس و تبعید امام، سخت شدن ملاقات با ائمه علیهم‌السلام و نیز مراجعه شیعیان به دانشمندان و عالمان شیعی اشاره کرد. این روش به فرهنگ عمومی تبدیل و جایگزین مراجعه مستقیم به امام علیه‌السلام شد. امامان معصوم علیهم‌السلام با نشر و تبلیغ این روش، مردم را برای ورود به عصر غیبت آماده ساختند. (طباطبایی، ۱۳۸۸ش، ص ۴۸؛ معارف، ۱۳۷۶ش، ص ۳۴۳-۳۴۷)

۲. گستره مکتوبات حدیثی در روایات شیعه

همان‌طور که اشاره شد، مراد از مکتوبات، روایاتی است که از طریق مکاتبه با امام معصوم علیه‌السلام به دست افراد رسیده است. بررسی تاریخ حدیث شیعه نشانگر آن است که مکتوبات حدیثی شش امام اول، با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن دوره، عموماً به شکل ارسال نامه از سوی معصوم به یک نفر و یا عده‌ای از افراد است. در این دوره، مکاتبه به شکل پرسش و درخواست کمتر دیده می‌شود و به‌طور کلی صدور حدیث به صورت مکتوبات بسیار محدود بوده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۱۷، ج ۶۰ و ۶۳، ص ۴۹۵؛ اربلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۳۹)

در مورد امام صادق علیه‌السلام، طبق آمار به دست آمده، مکتوبات ایشان نسبت به کل

روایات امام در کتب اربعه شیعه ۰/۱۹ درصد است که درصد کوچکی را نشان می‌دهد. در دوره شش امام بعد، یعنی از امام کاظم علیه السلام همان طور که ذکر شد، مکتوبات به دلایل متعددی از جمله گسترش تشیع در جامعه اسلامی و فشارهای دولت عباسی افزایش یافت. در این دوره با حضور و کلا به عنوان واسطان مکتوبات، روایات شکل سازمان یافته و منسجم تری به خود گرفت. آمار به دست آمده نشان می‌دهد که در این دوره، تعداد مکتوبات هریک از ائمه نسبت به کل روایاتشان افزایش نسبی یافت.

هر قدر به دوره امام عصر علیه السلام نزدیک تر می‌شویم، به خصوص در دوره امام جواد و امام هادی و امام عسکری علیهم السلام تعداد مکتوبات نسبت به کل روایاتشان افزایش می‌یابد. نسبت مکتوبات امام کاظم علیه السلام نسبت به کل روایاتشان در کتب اربعه شیعه، ۷/۸ درصد است. این نسبت در مورد امام رضا علیه السلام نسبت به کل روایات ایشان ۱۸ درصد، برای امام جواد علیه السلام ۳۲/۵ درصد، برای امام هادی علیه السلام ۳۶ درصد و در مورد امام عسکری علیه السلام ۷۱ درصد است. (مهتدی راد، ۱۳۸۸ش، ص ۵۱ و ۵۲) چنان که می‌دانیم در دوران غیبت صغری، مردم توسط نواب اربعه با امام علیه السلام در ارتباط بودند. مکتوبات امام عصر علیه السلام که به نام توقیعات مشهور است، در دو کتاب *کمال الدین و تمام النعمه* شیخ صدوق و *کتاب الغیبه طوسی* جمعاً ۹۲ عدد است که پس از حذف موارد مشترک، به ۸۰ توقیع می‌رسد. در جدول زیر، نسبت مکتوبات هریک از ائمه علیهم السلام در این دوره، نسبت به مجموع روایات ایشان در کتب اربعه شیعه و همچنین در کتاب *وسائل الشیعه* (حر عاملی، ۱۳۹۱ق) آمده است. در مورد امام صادق علیه السلام طبق آمار به دست آمده، مکتوبات ایشان نسبت به کل روایات امام در *وسائل الشیعه*، ۰/۱۸ درصد است.

نسبت مکتوبات امام کاظم علیه السلام نسبت به کل روایاتشان در کتب اربعه شیعه، ۴/۲ درصد است. این نسبت در خصوص امام رضا علیه السلام نسبت به کل روایات ایشان ۱۱/۵ درصد، برای امام جواد علیه السلام ۲۸/۵ درصد، برای امام هادی علیه السلام ۲۵ درصد و در مورد امام عسکری علیه السلام ۴۵/۵ درصد است.

جدول آمار مکتوبات هریک از امامان علیهم‌السلام در کتب اربعه و کتاب وسائل الشیعه

دوره	مجموع روایات در کتب اربعه	مکتوبات در کتب اربعه	نسبت مکتوبات در کتب اربعه	مجموع روایات در وسائل الشیعه	مکتوبات در وسائل الشیعه	نسبت مکتوبات در وسائل الشیعه
امام صادق <small>علیه‌السلام</small>	۱۷۶۰۰	۳۴	٪۰/۱۹	۱۶۰۰۰	۲۹	٪۰/۱۸
امام کاظم <small>علیه‌السلام</small>	۱۰۰۰	در حدود ۸۷	٪۸۷	۱۲۰۰	۵۲	۴/۲
امام رضا <small>علیه‌السلام</small>	۱۱۰۰	۱۹۸	٪۱۸	۱۴۰۰	۱۶۱	۱۱/۵
امام جواد <small>علیه‌السلام</small>	۴۰۰	۱۳۰	٪۳۲/۵	۴۰۰	۱۱۴	۲۸/۵
امام هادی <small>علیه‌السلام</small>	قریب به ۵۰۰	حدود ۱۸۰	٪۳۶	۵۵۰	۱۳۷	٪۲۵
امام عسکری <small>علیه‌السلام</small>	در حدود ۲۰۰	۱۴۲	٪۷۱	بیش از ۲۵۰	۱۱۳	۴۵/۲

در کتاب مکاتیب الائمه نیز مکتوبات ائمه علیهم‌السلام توسط آیت‌الله احمدی میانجی جمع‌آوری شده است. وی از مکتوبات امیرالمؤمنین علیه‌السلام، ۲۲۱ و از مکتوبات امام حسن علیه‌السلام، ۲۲ و از مکتوبات امام حسین علیه‌السلام، ۲۷ از امام سجاده علیه‌السلام، از امام باقر علیه‌السلام، ۲۱۰ روایت مکتوبه‌ای و از امام صادق علیه‌السلام، ۱۰۵ روایت و از امام کاظم علیه‌السلام، ۱۰۵ روایت و از مکاتبات امام رضا علیه‌السلام، ۱۸۹ روایت مکتوبه‌ای گزارش کرده است. او از امام جواد علیه‌السلام، ۱۱۹ روایت، از امام هادی علیه‌السلام، ۲۶۶ روایت مکتوبه‌ای و از امام عسکری علیه‌السلام، ۱۳۸ روایت و از امام عصر علیه‌السلام، ۱۰۹ مکاتبه جمع‌آوری کرده است. (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق، ج ۱-۷)

۳. اعتبار مکتوبه‌های حدیثی نسبت به سایر روایات

از مسائلی که در مکتوبات مورد بحث است، اعتبار و ارزش آن‌هاست. این بحث از آنجایی مطرح می‌شود که در بین طرق تحمل حدیث، سماع و قرائت ارزش بیشتری تا کتابت و وصیت دارد؛ زیرا راوی در سماع و شرف‌یابی به محضر امام علیه‌السلام، بشخصه روایات را استماع می‌نمود و می‌توانست درباره صحت و سقم آن شهادت دهد. در صورتی که در مسئله مکاتبه با توجه به عدم حضور راوی از یک طرف و احتمال وقوع

نقصان و زیاده در محتوای حدیث از طرف دیگر، چنین اطمینانی حاصل نمی‌شود. از این رو در طرق تحمل حدیث کتابت مرتبه‌ای پایین‌تر از سماع و قرائت دارد. (شهید ثانی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۸۹؛ حارثی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۴۲؛ میرداماد، ۱۳۸۰ش ص ۲۴۲؛ شبیری، ۱۳۸۳ش، ج ۸، ص ۵۷۷-۵۸۶) در مقابل ایشان، برخی فقها به یکسانی حدیث کتبی و حدیث شفاهی از نظر اعتبار تصریح کرده‌اند. (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۲۶۷، ج ۵، ص ۲۲۹؛ محقق خوانساری، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۷) اما در پاسخ باید گفت که علاوه بر آنکه مکتوبات حدیثی در مقایسه با احادیث مسموعه، همان طور که ذکر شد مجموعاً درصد کمی را تشکیل می‌دهد، قراین بسیار نشان می‌دهد که امامان شیعه و یاران خبیر ایشان، معمولاً صحت مراسلات و مکتوبات حدیث را مورد تحقیق قرار می‌داده‌اند؛ مثلاً از بعضی از شواهد برمی‌آید که خط امامان برای اصحاب و راویان آن‌ها معروف و مشخص بوده و آنان با دیدن آن دچار تردید و نگرانی نمی‌شده‌اند. برای نمونه روایتی در کافی آمده که عثمان بن عیسی در باب نکاح به امام کاظم علیه السلام نامه نوشته و به شناختن خط امام در عباراتش (متن روایتش) اشاره کرده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۶۶) و در انتهای نامه‌ها و توقیعات خود، مهر مخصوص خود را درج می‌کردند؛ برای مثال، احمد بن اسحاق بشه محضر امام عسکری علیه السلام رسیده و از ایشان تقاضا کرده مطلبی برای ایشان بنویسد تا بنگرد و این بدین منظور بوده است که بتواند خط آن حضرت را در نامه‌هایی که از طرف ایشان ارسال می‌گردد، بشناسد و حضرت با متفاوت شدن قلم در نازک و درشت شدن خط، نگرانی را از وی دور می‌کند. (همان، ج ۱، ص ۵۱۳)

شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد حارثی همدانی (حارثی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۴۱) با استناد به مکاتبات فراوان ائمه علیهم السلام و با تأکید بر اینکه راویان، خط امام علیه السلام را می‌شناخته‌اند، نتیجه گرفته است که مکاتبات معتبرند و گفته است اگر مکاتبه بی اعتبار باشد، مکاتبات ائمه بی‌هوده بوده است. (صدر، ۱۴۱۳ق، ص ۴۶۶؛ شبیری، ۱۳۸۳ش، ص ۵۸۴). کنی تهرانی (۱۳۷۹ش، ص ۲۶۰) بر این احتجاج حارثی افزوده است که امامان از عمل شاگردانشان به مکاتبات آگاه بودند و اساساً مکاتبه برای عمل کردن صورت می‌گرفته، لذا کسی از این جهت در اعتبار مکاتبات تردید نکرده است. البته

این موضوع در کتب حدیث اهل سنت نیز آمده است. (خطیب بغدادی، ۱۴۰۶ق، ص ۳۷۳-۳۷۴؛ ابن صلاح، ۱۹۷۲م، ص ۱۵۴-۱۵۵؛ سیوطی، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۵-۵۸؛ شبیری، ۱۳۸۳ش، ص ۵۸۴) در مناظره شافعی با اسحاق بن راهویه نیز اشاره‌ای به این بحث دیده می‌شود؛ یک بار شافعی حدیثی را به دلیل سماع بودن بر حدیث کتبی دیگر ترجیح داد، ولی ابن راهویه نامه‌نگاری پیامبر ﷺ را به کسری و قیصر دلیل بر اعتبار مکتوبه دانست. (سیوطی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۱۵؛ شهید ثانی، ۱۴۰۸ق، ۲۸۸-۲۹۰؛ شبیری، ۱۳۸۳ش، ص ۵۸۴) در اهل سنت مکتوبات شامل عهدنامه‌ها و پیمان‌نامه‌های رسول الله ﷺ است. برای نمونه می‌توان از صلح حدیبیه که پیمان مکتوب پیامبر ﷺ است با دشمن، پیمان‌نامه‌های پیامبر ﷺ با قبایل عرب و نیز پیام‌های پیامبر ﷺ که برای پادشاهان مانند خسرو پرویز ارسال شده است، نام برد. نامه‌های پیامبر در دو کتاب *مکاتیب الرسول احمدی میانجی و مجموعة الوثائق السیاسیه محمد حمیدالله* که به تازگی نیز به فارسی با نام *نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد ﷺ و اسناد صدر اسلام* به فارسی برگردانده شده، جمع‌آوری شده است. فرق با مکتوبات ائمه علیهم‌السلام در اینجا مشخص می‌شود که این قسم از مکتوبات که مسلمانان نامه بنویسند و پیامبر ﷺ جواب آنان را بدهد، مرسوم نبوده است. البته مشترکات و اختلافاتی وجود دارد؛ از جمله مشترکات این است که پیامبر ﷺ گاهی ابتدا به ساکن برای اشخاصی چون پادشاهان نامه می‌نوشتند. در مختلفات در مکتوبات شیعه، عهدنامه بین امام و قبیله‌ها موضوعیت ندارد، چون آن بزرگواران امامت سیاسی نداشتند. در خصوص مکتوبات اهل سنت، پاسخ به اسفئانات به این صورت که در شیعه هست، در اهل سنت وجود ندارد. در شیعه، اساس مکتوبات جواب‌های ائمه علیهم‌السلام به نامه‌های مردم یا به واسطه یکسری پیک انجام می‌شده است.

از قراین دیگر، وجود پیک‌ها با واسطه‌های معتبر و مورد اطمینان است. آنان در حفظ پرسش‌ها و جواب‌ها کمال دقت را به خرج می‌دادند. در این باره نیز روایات زیادی وجود دارد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۷، ج ۲، ص ۲۷؛ صدوق، ۱۳۹۲ق، ج ۲، ص ۱۰) مرحوم بهبودی نیز معتقد است که وجود قاصد معتبر، احادیث را از ارسال خارج می‌کند و حدیث دارای حجت و اعتبار می‌باشد. (بهبودی، ۱۳۷۸ش، ص ۲۴۴)

همچنین در برخی موارد در میان مکتوبات دیده شده که افراد از صحت نامه‌ای که فرد دیگری آن را نقل کرده است از امام سؤال می‌کنند؛ از جمله می‌توان به نامه‌ای که کشی از احمد بن ابی نصر نقل کرده اشاره نمود که گفت به ابوالحسن رضاعی^(ع) عرض کردم: حسن بن محبوب زراد نامه‌ای از شما برای ما نقل کرده، آیا این درست است؟ ایشان فرمود: بله راست می‌گوید. در ضمن زراد مگو، بلکه بگو سراد زیرا خداوند می‌گوید:... (کشی، بی‌تا، رقم ۱۰۹۵) با توجه به توضیحاتی که گذشت می‌توان نتیجه گرفت که بسیاری از احادیث مکتوبه به ارزش احادیث مسموعه ارتقا یافته و از نظر کارشناسان حدیث در شمار احادیث صحیح قرار گرفته است.

از مهم‌ترین ویژگی‌های مکتوبات که آن‌ها را از روایات مسموعه متمایز کرده، عدم نقل به معناست. (مامقانی، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۲۹۵) در روایات مسموعه، اگر راوی به دلیل عدم کتابت سریع و بموقع، به‌ویژه در زمانی که روایت طولانی بوده است دچار نسیان شود و نتواند عین عبارات معصوم^(ع) را به خاطر آورد، اصالت الفاظ و عبارات حفظ نشده و معانی آن‌ها با عبارات راویان نقل می‌گردد. در نتیجه روایت از نظر فصاحت و بلاغت به درجه عبارات پیشوایان معصوم نمی‌رسد. لذا احادیث به لحاظ ادبی و معنوی دچار نقل به معنا می‌شود. (معارف، ۱۳۸۷ش، ص ۱۵۷-۱۵۹) اما در روایات مکتوبه معصوم^(ع) چون خود بشخصه روایت را می‌نویسند، روایت بدون هیچ کم و زیادی به دست راوی می‌رسد. بنابراین در این احادیث، راوی یا سؤال‌کننده موفق می‌شود تا عین الفاظ و عبارات را ملاحظه کند و بدون هیچ گونه نقل به معنی، به مقاصد امام^(ع) دست یابد.

۴. علی بن مهزیار اهوازی و مکتوبه‌های حدیثی

علی بن مهزیار اهوازی از محدثان بزرگ شیعه در قرن سوم هجری و از اصحاب امام رضاعی^(ع) و از وکلای امام جواد و امام هادی^(ع) در اهواز بوده است. علاوه بر آن، خود صاحب کتاب‌های مهمی از روایات ائمه طاهرين^(ع) بوده است. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۵۳؛ طوسی، بی‌تا، ص ۲۶۵؛ حلی، ۱۳۸۱ق، ص ۳۹) در میان روایات وی، مکتوباتی ارزشمندی در ابواب مختلف فقهی و اخلاقی و اعتقادی وجود دارد. از ۴۳۷ روایت او در مجموعه‌های حدیثی شیعه (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۱۹۹-۲۰۰) تعداد

۶۰ روایت مکتوبه‌ای به چشم می‌خورد. مکتوبات او دو نوع است: یکی آنکه او راوی مکتوبات است و در مقام راوی روایات را حفظ کرده، و دیگر مکتوبات خودش که باب مراسلات را گشوده است که در ادامه به تفصیل خواهد آمد.

۴-۱. نقش علی بن مهزیاری در شناسایی و انتقال مکتوبه‌های قبل از خود

با واریسی دو کتاب فهرست طوسی و رجال نجاشی می‌توان عملکرد راویان حدیث را در عرصه روایتگری، به سه دسته تقسیم کرد: گروهی از راویان دارای نگاشته حدیثی هستند و جز این، نقشی در میراث حدیثی شیعه بر عهده ندارند. گروهی از راویان افزون بر اینکه خود دارای نگاشته حدیثی‌اند، در طریق انتقال نگاشته‌های دیگر راویان قرار دارند و دسته آخر از راویان هرچند دارای نگاشته حدیثی نیستند، در طریق انتقال آثار دیگر راویان قرار دارند. (حسینی شیرازی، ۱۳۹۷ش، ص ۱۷۳)

علی بن مهزیار در انتقال موارد حدیثی شیعه، علاوه بر اینکه دارای آثاری ارزشمند است، در طریق انتقال نگاشته‌های دیگر راویان نیز قرار دارد. وی افزون بر اینکه خود بشخصه خدمت ائمه علیهم‌السلام رسیده و احادیث آن بزرگواران را سماع نموده است (خوبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۳۵۰-۳۵۲)^۳ در میان آثار رسیده از وی مکتوباتی وجود دارد که ارزش آن‌ها کمتر از سماع نیست. علاوه بر آن، وی در طریق انتقال مکتوبات دیگر راویان نیز قرار دارد. به عبارت دیگر، در میان روایات مکتوبه‌ای که از علی بن مهزیار نقل شده، مکتوبه‌هایی از سابقین به چشم می‌خورد که ایشان در سند بعضی از مکتوبه‌های صادره از آنان قرار دارد و دلیل آن هم این است که تعدادی از روایاتی را نقل کرده که متعلق به دیگران است. برای نمونه می‌توان به روایتی اشاره کرد که علی بن مهزیار نقل کرده است. او می‌گوید نامه‌ای از عبدالله بن محمد به امام رضا علیه‌السلام در باب زکات خواندم که در آن‌از وجود روایتی سؤال می‌شود که امام صادق علیه‌السلام از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل حدیث کرده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۱۰؛ طوسی، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۵؛ حر عاملی، ۱۳۹۱ق، ج ۹، ص ۶۱) عبدالله بن محمد از اصحاب امام رضا علیه‌السلام و دارای کتاب مسائل است. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۲۷) در اختیار داشتن کتاب و مکاتبات عبدالله نزد علی بن مهزیار و تأیید امام رضا علیه‌السلام از روایتی که امام صادق علیه‌السلام از روایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم داشته است، نقش تبعی، یعنی ناقل اثر

بودن وی، در انتقال احادیث را آشکار می‌کند.

در روایت دیگری، علی بن مهزیار از کتاب عبدالله بن محمد در باب نجاست لباس نمازگزار با شراب و نبیذ چنین نقل کرده است: عبدالله به امام رضا علیه السلام نامه‌ای نوشت و از وجود دو روایت در این باره سؤال کرد. روایت اول از زرارة و روایت دوم از فرد دیگری است که هر دو از امام صادق علیه السلام نقل حدیث کرده‌اند.^۴ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۰۷؛ طوسی، ج ۱، ص ۲۸۱) از این دو روایت در تهذیب و کافی برمی‌آید که علی بن مهزیار علاوه بر اینکه به‌عنوان راوی در طریق انتقال روایات متعلق به زرارة و دیگران قرار دارد، به‌عنوان یک حدیث‌شناس صاحب اندیشه، فقط به نقل روایت مسموعه‌ای بسنده نکرده و به مکتوبات نیز توجه داشته است.

همچنین با تحقیق و بررسی اسناد و طرق موجود در دو کتاب رجال نجاشی و شیخ طوسی، نام علی بن مهزیار در سند کتب و کتاب‌هایی موسوم به نوادر برخی از اصحاب ائمه علیهم السلام دیده شده است. برای نمونه، علی بن مهزیار از جمله کسانی است که اسم او در طرق نوادر حریز بن عبدالله سجستانی قرار دارد. وی نوادر حریز را از طریق حماد بن عیسی گزارش کرده است. این مطلب نشان می‌دهد که نسخه‌ای از نوادر حریز که از اصحاب امام صادق و کاظم علیهم السلام می‌باشد، در اختیار علی بن مهزیار بوده است. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۴۴) نمونه دیگر، ذکر نام علی بن مهزیار در سند طرق کتب و نوادر فضالة بن ایوب ازدی اهوازی است که نسخه‌ای از این کتب بنا به گزارش احمد بن محمد زراری، در اختیار علی بن مهزیار بوده است. از این نمونه‌ها برمی‌آید که او با قرار گرفتن در اسناد کتب اصحاب ائمه علیهم السلام در انتقال آن‌ها به‌عنوان بخشی از موارث کتبی عالمان شیعه، سهمیم بوده است. (طوسی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۶۴)^۵

۲-۴. نقش علی بن مهزیار در استمرار صدور مکتوبه‌های حدیثی

از آنجا که علی بن مهزیار از وکلای دو امام بزرگوار، امام جواد و امام هادی علیهم السلام در شهر اهواز بود، در مواردی با رجوع به آن بزرگواران، بشخصه پرسش‌های خود و دیگران را مطرح و پاسخ را دریافت می‌کرد. همچنین او به دلایل مختلف، به‌خصوص زمانی که شیعیان امکان ملاقات حضوری در محضر ائمه معصومین علیهم السلام نداشتند، از طریق مکاتبه، باب مراسلات را با امامان گشوده است. مکاتبات ائمه علیهم السلام را می‌توان به

دو بخش کلی تقسیم کرد:

بخش اول: نامه و دستورالعمل‌ها و حتی پیغام‌های امامان شیعه است که خطاب به نمایندگان خود یا شیعیان مستقر در یک ناحیه ارسال کرده‌اند و در آن نامه‌ها و رسائل، وظایف آنان را در مقابل پیشامدهای سیاسی و اجتماعی روشن ساخته‌اند؛ **بخش دوم** از مکتوبات حدیثی، عبارت از پاسخ امامان در ذیل پرسش‌هایی است که شیعیان از نقاط مختلف ارسال می‌کردند. مرحوم کلینی صاحب کتابی موسوم به *رسائل الاثمه* بوده است که این کتاب در حال حاضر در دسترس نیست، اما رد پای آن هنوز وجود دارد. در دوران معاصر، محقق ارجمند ثامر العمیدی الحسینی به بازیابی کتب *رسائل الاثمه* مرحوم کلینی پرداخته و در این کتاب، *رسائل ائمه معصومین (علیهم‌السلام)* را به ترتیب هر امام که خطاب به اصحاب خود نوشته‌اند، جمع‌آوری کرده است. مکتوبات علی بن مهزیار در جلد دو، صفحات ۲۲۹ تا ۲۵۷ آمده است. (عمیدی حسینی، ۱۴۳۶ق، ج ۲، ص ۲۲۹-۲۵۷) علاوه بر این، نامه‌ها و رسائل امامان به اصحابشان در کتاب *مکتوبات الاثمه (علیهم‌السلام)* نیز قابل مشاهده است. (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۲۵۶-۲۹۱، ج ۴، ص ۱۶۸-۵۱۲، ج ۵، ص ۱۸-۴۶۴)

با بررسی مکتوبات علی بن مهزیار می‌توان آن‌ها را به سه بخش کلی تقسیم کرد: **بخش اول**، مکاتبات علی بن مهزیار با امامان معاصر خود از جمله امام جواد (علیه‌السلام) است که شامل موضوعات فقهی، اعتقادی، اجتماعی و دعاهایی می‌شود که امام در حق وی نوشته است؛ برای مثال، در حدیثی در باب حج، هنگامی که علی بن مهزیار به سفر حج مشرف شده بود، برای رفع اختلاف درباره اتمام و قصر در نماز در حریم شریفین به امام جواد (علیه‌السلام) نامه نوشته و حکم فقهی را دریافت کرده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۲۵) نمونه دوم، نامه او به امام هادی (علیه‌السلام) و سؤال وی از فرج است که امام به وی نوشته است: «هنگامی که صاحب شما از سرای ستمکاران غیبت کرد، منتظر فرج باشید». (صدوق، ۱۳۹۵ق، ص ۳۸۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۱۵۰؛ ج ۱، ص ۲۳۴) در نامه دیگر، علی بن مهزیار با امام (علیه‌السلام) در مورد زلزله شهر اهواز مکاتبه کرده و امام با فرستادن دستورالعملی برای مردم شهر، از کوچ مردم از شهر اهواز ممانعت کرده است. (طوسی، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۲۹۴؛ صدوق، ۱۳۹۲ق، ج ۱،

ص ۵۴۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۰، ص ۱۰۱، ج ۸۸، ص ۱۵۰) نمونه سوم، نامه‌های امام جواد علیه السلام به علی بن مهزیار است که آن حضرت وی را مورد توجه و عنایت خود قرار داده‌اند. این امر نشان از جایگاه والای او نزد امام و نیز تمایز شخصیت این عالم بزرگ از دیگر اصحاب دارد. برای مثال در بخشی از این نامه درباره او چنین آمده است:

ای علی! خداوند پاداش نیکو به تو دهد و در بهشتش ساکن نماید و از خواری در دنیا و آخرت تو را محافظت فرماید و با ما محشورت سازد. ای علی! تو را در خیرخواهی‌ها و فرمانبری از ما و خدمت و بزرگداشت ما آزمودم و در انجام آنچه بر تو واجب است امتحان کردم. اگر بگویم همانند تو را ندیده‌ام، امیدوارم که سخن درستی گفته باشم، پس خداوند سکونت در بهشت برین را به تو پاداش دهد. مقام و منزلت تو نیز خدمتگزاری ات در سرما و گرما و در شب و روز بر من پوشیده نیست پس از خداوند می‌خواهم آنگاه که تمامی مردم را در قیامت گرد آورده، تو را مشمول رحمتی قرار دهد که همه بدان غبطه خورند. به درستی که او شنونده دعاها و درخواست بندگان است. (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۴۹)

نیز در نامه‌ای دیگر آمده است:

تو نمی‌دانی که خداوند تو را نزد من چگونه قرار داده است. تو آنقدر عزیزی که گاه تو را به نام و نسبت می‌خوانم، با همه توجه و علاقه‌ای که به تو دارم و شناختی که از تو دارم. پس خداوند بهتر از آنچه را به تو داده، پیاپی به تو عطا کند و به خاطر خشنودی ما از تو، از تو خشنود باشد و تو را به برترین آرزویت برساند و به رحمتش در فردوس اعلی جای دهد. به درستی که او شنونده دعاست. خداوند تو را حفظ کند و سرپرستی نماید و به رحمتش شر را از تو دفع گرداند. (کشی، بی تا، ج ۲، ص ۸۲۸)

بخش دوم؛ نامه‌هایی است که بنا به درخواست شیعیان از علی بن مهزیار، خدمت امام ارسال شده و پاسخ امام را دریافت کرده است. برای نمونه درخواست محمد بن حمزه غنوی از اوست که به امام جواد علیه السلام نامه بنویسد تا دعایی بیاموزد که به وسیله آن

در مشکل وی گشایشی حاصل شود.^۹ (صدوق، ج ۲، ص ۵۶۰) و در روایتی دیگر آمده است برخی از اصحاب به واسطه علی بن مهزیار به امام علیه السلام نامه می‌نوشتند. برای نمونه، علی بن مهزیار نقل می‌کند که برای رفع اختلاف در وقت نماز صبح به واسطه من ابوالحسن بن حصین برای امام جواد علیه السلام نامه نوشته و در مورد حکمی که مورد اختلاف شده است، سؤال می‌کنند و امام با خط مبارک خود جواب نوشته و او آن را مشاهده و قرائت کرده که چنین آمده است: فجر- خدا تو را رحمت کند- عبارت از خط سفید پهن شده...^{۱۰} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۸۲؛ طوسی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۳۶؛ همو، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۷۴)

بخش سوم؛ مکاتباتی است که دیگران برای امام علیه السلام فرستاده و او آن‌ها را نقل کرده است. این دسته روایات متعلق به کسانی است که هم عصر علی بن مهزیار هستند. برای مثال می‌توان به نامه‌ای از یحیی بن اَبی عمران همدانی به ابی جعفر علیه السلام اشاره کرد که علی بن مهزیار آن را نقل کرده است. در این نامه در باب قرائت نماز از امام علیه السلام سؤال شده و حضرت به خط خود جواب را نوشته است.^{۱۱} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۱۳؛ طوسی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۶۹؛ همو، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۳۱۱) در نامه دیگری در باب خمس ابراهیم بن محمد همدانی به امام هادی علیه السلام نامه نوشته و چنین گفته است: به حضرت ابوالحسن علیه السلام نوشتم: علی بن مهزیار نامه پدر شما را برای من خواند که آنچه واجب است بر باغداران بعد از وضع مخارج، یکدوازدهم است و کسی که عایدی مزرعه و باغش مخارجش را کفاف ندهد، نه یکدوازدهم بر او واجب است و نه چیز دیگر، و مردمی که نزد ما هستند در این باره اختلاف دارند و می‌گویند: بر مزارع خمس واجب است بعد از وضع مخارج، یعنی مخارج زراعت و خراج نه آنکه مخارج خود زارع و خانواده‌اش. حضرت در جواب نوشت: مقصود بعد از مخارج خانواده و خراج سلطان است.^{۱۲} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۷)

۵. نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه بیان شد، این نتایج به دست می‌آید:
- مکتوبات، آن دسته از روایات ائمه علیهم السلام است که به صورت مکتوب توسط معصوم به اصحابشان رسیده است.

- صدور مکتوبات که محدثان در مقام جمع و تدوین آن‌ها برآمدند، با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه امامان معصوم علیهم‌السلام متفاوت است.

- آمارها در این باره نشان می‌دهد که هرچه به دوره امام عصر علیه‌السلام نزدیک‌تر می‌شویم، تعداد مکتوبات هریک از ائمه علیهم‌السلام نسبت به کل روایات افزایش می‌یابد. گرچه مکتوبات از جهت رتبه‌بندی در میان محدثان شیعه یکسان نیستند، با بررسی این دسته از روایات و وجود قراین و شواهد، صحت بسیاری از آن‌ها تأیید می‌شود.

- از امتیازات مهم مکتوبات عدم نقل به معناست که این امتیاز جایگاه ویژه‌ای به آن‌ها می‌دهد.

- علی بن مهزیار اهوازی علاوه بر نقل مراسلات خود از دو امام بزرگوار، به شناسایی و جمع‌آوری انتقال مکتوبه‌ها به دوره‌های بعد پرداخته و در حفظ و صیانت این میراث بزرگ شیعه کوشیده است تا این میراث به نسل‌های بعد انتقال داده شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. قابل ذکر است بر روی مکتوبات علی بن مهزیار تحقیقی صورت نگرفته، اما در کتاب پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه (معارف، ۱۳۷۶ش) و در بخش پایانی کتاب *علل الحدیث* (بهبودی، ۱۳۷۸ش) که به نقد مکتوبات پرداخته و همچنین در پایان‌نامه *اعتبار و جایگاه حدیثی مکتوبات امامان معصوم پس از صادقین* (مهتدی راد، ۱۳۸۸) مباحثی وارد شده که مورد ارجاع اینجانب قرار گرفته است.
۲. در بحث محتوایی آن نک: معارف، ۱۳۹۴ش، ص ۲۰۷.
۳. روی عن ابی جعفر علیه‌السلام (صدوق، ۱۳۹۲ق، ج ۱، ح ۱۵۱۸، ج ۲، ح ۸۸؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ح ۸۹۱، ج ۸، ح ۱۰۷۲، ج ۹، ح ۱۳۹۱) روی عن ابی جعفر الثانی علیه‌السلام (صدوق، ۱۳۹۲ق، ج ۱، ح ۸۰۳، ج ۲، ح ۱۵۹۸، ج ۳، ح ۶۷۱ و ۱۱۲۰؛ طوسی، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ح ۱۴۸۷؛ همو، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ح ۱۱۸۳، ج ۶، ح ۲۲۱، ج ۸، ح ۱۱۵۶) روی عن ابی الحسن الثالث علیه‌السلام (صدوق، ۱۳۹۲ق، ج ۱، ح ۷۳۴ و ۱۰۴۲)
۴. ابوالقاسم جعفر بن محمد، عن محمد بن یعقوب، عن الحسن بن محمد، عن عبدالله بن عامر، عن علی بن مهزیار و محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن علی و علی بن محمد، عن سهل بن زیاد، عن علی بن مهزیار، قال: قرأت فی کتاب عبدالله بن محمدالی ابی الحسن علیه‌السلام: جُعِلت فداک، روی زرارة عن ابی جعفر و ابی عبدالله علیهما السلام فی الخمر یصیب ثوب الرجل، أَنهما قالا: لا بأسَ أن یصلیَ فیهِ، إِنما حَرَّمَ شُرْبُها و روی غیر زرارة عن ابی عبدالله علیه‌السلام أَنه قال: إِذا أَصابَ ثوبَکَ خمرٌ أو نَبیدٌ- یعنی المُسکِر- فاغسِلْهَ إن عَرَفْتَ مَوْضِعَهُ، و إن لَمْ تَعْرِفْ مَوْضِعَهُ فاغسِلْهَ کُلَّهُ، و إن

صَلَّيْتُ فِيهِ فَأَعَدِلَ لَاتَكَ فَأَعْلَمَنِي مَا أَخَذَ بِهِ؟ فَوَقَّعَ بِخَطِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامَ وَ قَرَأَتْهُ: خُذْ بِقَوْلِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامَ.

۵. برای طرق دیگر نک: نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۶، ۶۹، ۱۲۳، ۲۱۹، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۸۱، ۳۳۰، ۳۵۴، ۳۸۳، ۴۴۸؛ طوسی، بی تا، ص ۶۴، ۲۱۵، ۲۷۳، ۴۴۲ و ۴۴۵؛ کشی، بی تا، ص ۵۳۱؛ طوسی، ص ۹۲، ۱۱۷، ۲۶۷ و ۳۵۳؛ خوبی، ۱۴۱۳ق، ص ۹۰-۹؛ صدوق، ۱۳۹۲ق، ج ۴، ص ۴۲۷ و ۴۳۷؛ همو، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۳۱ و ۶۵۰.

۶. سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الرِّوَايَةَ قَدْ اِخْتَلَفَتْ عَنْ آبَائِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فِي الْإِتْمَامِ وَ التَّقْصِيرِ فِي الْحَرَمَيْنِ، فَمِنْهَا بَأَنَّ يَتِمُّ الصَّلَاةَ وَ لَوْ صَلَاةً وَاحِدَةً، وَ مِنْهَا أَنْ يُقْصَرَ مَا لَمْ يَنْوُ مُقَامَ عَشْرَةِ أَيَّامٍ، وَ لَمْ أزلْ عَلَى الْإِتْمَامِ فِيهَا إِلَى أَنْ صَدَرْنَا فِي حِجَّتِنَا فِي عَامِنَا هَذَا، فَإِنَّ فَهْمَاءَ أَصْحَابِنَا أَشَارُوا عَلَيَّ بِالتَّقْصِيرِ، إِذْ كُنْتُ لَا أُنْوِي مُقَامَ عَشْرَةِ أَيَّامٍ فَصُرْتُ إِلَى التَّقْصِيرِ، وَ قَدْ ضَقْتُ بِذَلِكَ حَتَّى أَعْرَفْتُ رَأْيَكَ؟ فَكُتِبَ إِلَيَّ بِخَطِّهِ: قَدْ عَلِمْتُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ فَضَلَ الصَّلَاةَ فِي الْحَرَمَيْنِ عَلَى غَيْرِهِمَا، فَإِنِّي أُحِبُّ لَكَ إِذَا دَخَلْتَهُمَا أَنْ لَا تُقْصَرَ، وَ تُكَبِّرُ فِيهِمَا الصَّلَاةَ. فَقُلْتُ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ بِسِتِّينَ مُشَافَهَةً: إِنِّي كُتِبْتُ إِلَيْكَ بِكَذَا وَ أُجِبْتَنِي بِكَذَا. فَقَالَ: نَعَمْ. فَقُلْتُ: أَيُّ شَيْءٍ تَعْنِي بِالْحَرَمَيْنِ؟ فَقَالَ: مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ.

۷. كُتِبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَسْكَرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ عَنِ الْفَرَجِ فَكُتِبَ إِلَيَّ إِذَا غَابَ صَاحِبُكُمْ عَنْ دَارِ الظَّالِمِينَ فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ.

۸. علی بن مهزیار قال: کتبت إلى أبي جعفر عليه السلام و شکوت إليه كثرة الزلازل في الأهواز، و قلت: ترى لي التحول عنها؟ فكتب عليه السلام: لَا تَتَحَوَّلُوا عَنْهَا، وَ صُومُوا الْأَرْبَعَاءَ وَ الْخَمِيسَ وَ الْجُمُعَةَ، وَ اغْتَسِلُوا وَ طَهَّرُوا ثِيَابَكُمْ، وَ ابرؤوا يوم الجمعة، وَ ادعوا الله فإنه يدفع عنكم. قال: ففعلنا فسكنت الزلازل.

۹. سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، قَالَ: كَتَبْتُ مُحَمَّدَ بْنَ حَمَزَةَ الْغَنَوِيَّ إِلَى يَسْأَلُنِي أَنْ أَكْتُبَ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي دَعَاءٍ يُعَلِّمُهُ، يَرْجُو بِهِ الْفَرَجَ. فَكُتِبَ إِلَيَّ: أَمَّا مَا سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ حَمَزَةَ مِنْ تَعْلِيمِهِ دَعَاءَ يَرْجُو بِهِ الْفَرَجَ، فَقُلْ لَهُ يَلْزَمُ: يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَ لَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ، اكْفِنِي مَا أَهَمَّتَنِي مِمَّا أَنَا فِيهِ. فَإِنِّي أَرْجُو أَنْ يُكْفِيَ مَا هُوَ فِيهِ مِنَ الْعَمِّ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

۱۰. علی بن محمد، عن سهل بن زياد، عن علی بن مهزیار، قال: کتب أبو الحسن بن الحسين إلى أبي جعفر الثاني عليه السلام معي: جعلت فداك، قد اختلفت موالورك في صلاة الفجر، فمنهم من يصلّي إذا طلع الفجر الأوّل المستطيل في السماء، و منهم من يصلّي إذا اعترض في أسفل الافق و استبان، و لست أعرف أفضل الوقتين فاصلّي فيه، فإن رأيت أن تعلمني أفضل الوقتين و تحله لي، و كيف أصنع مع القمر و الفجر لا يتبين معه حتى يحمرّ و يصبّح، و كيف أصنع مع الغيم، و ما حدّد ذلك في السفر و الحضر، فعلت إن شاء الله. فكتب عليه السلام بخطه و قرأته: الْفَجْرُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ هُوَ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ

المُعْتَرِضُ، لَيْسَ هُوَ الْأَبْيَضُ صُعْدَاءَ، فَلَا تُصَلُّ فِي سَفَرٍ وَلَا حَضَرَ حَتَّى تَتَبَّيَّنَهُ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَجْعَلْ خَلْقَهُ فِي شَبْهَةٍ مِنْ هَذَا، فَقَالَ: «كُلُّوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَبَيَّنَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ»، فَالْخَيْطُ الْأَبْيَضُ هُوَ الْمُعْتَرِضُ الَّذِي يَحْرُمُ بِهِ الْأَكْلُ وَالشَّرْبُ فِي الصَّوْمِ وَكَذَلِكَ هُوَ الَّذِي تُوجِبُ بِهِ الصَّلَاةُ.

۱۱. محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن علی بن مهزیار، عن یحیی بن ابی عمران الهمدانی، قال: کتبت إلى أبی جعفر علیه السلام: جعلت فداک، ما تقول فی رجل ابتداءً بسم الله الرحمن الرحيم فی صلاته وحده فی ام الكتاب، فلما صار إلى غیر ام الكتاب من السورة ترکها، فقال العباسی: لیس بذلك بأس. فکتب بخطه: یعیدها مرتین علی رغام أنفه؛ یعنی العباسی به رغم خواست عباسی یا به کوری چشم عباسی)

۱۲. سهل عن إبراهيم بن محمد الهمدانی قال: کتبت إلى أبی الحسن علیه السلام: أقرأنی علی بن مهزیار کتاب أییک علیه السلام، فیما أوجبه علی أصحاب الضیاع نصف السدس بعد المئونة، وأنه لیس علی من لم تَمُ ضیعته بمؤنته نصف السدس ولا غیر ذلك، فاختلَفَ مَنْ قَبَلْنَا فی ذلك، فقالوا: یجب علی الضیاع الخمس بعد المئونة، مؤونة الضیعة وخراجها لا مؤونة الرجل وعیاله. فکتب علیه السلام: بعد مؤونته و مؤونة عیاله و بعد خراج السلطان.

منابع

۱. ابراهیم، مصطفی و همکاران، المعجم الوسیط، استانبول: مکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۲ق.
۲. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الائمه (علیهم السلام)، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۶ق.
۳. ابن حنبل، احمد، المسند، تحقیق احمد محمد شاکر، مصر: دار المعارف، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن صلاح، ابو عمرو عثمان بن عبدالرحمن، علوم الحدیث، مدینه: چاپ نورالدین عتر، ۱۹۷۲م.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۲ق.
۶. آذرتاش، آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی به فارسی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۳ش.
۷. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الائمه، بیروت: چاپ هاشم رسولی محلاتی، ۱۴۱۰ق.
۸. بخاری، محمد بن اسماعیل، الصحیح، بیروت: دار القلم، ۱۴۰۷ق.
۹. بهبودی، محمدباقر، علل الحدیث، تهران: انتشارات سنا، ۱۳۷۸ش.
۱۰. حارثی، حسین بن عبدالصمد، وصول الاخبار الی اصول الاخبار، قم: چاپ عبداللطیف کوه کمری، ۱۴۰۱ق.
۱۱. حرانی (ابن شعبه)، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۱۲. حر عاملی، محمدحسن، وسائل الشیعه، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت: دار احیاء التراث،

- ۱۳۹۱ق.
۱۳. حسینی شیرازی، سید علیرضا، *اعتبارسنجی احادیث شیعه*، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۷ش.
۱۴. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، *خلاصة الاقوال فی معرفة الاحوال الرجال*، نجف: مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۱ق.
۱۵. خطیب بغدادی، احمد بن علی، *الکفایة فی علم الروایة*، بیروت: چاپ احمد عمرهاشم، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م.
۱۶. خوبی، سید ابوالقاسم، *معجم الرجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، بی‌جا: بی‌نا، ۱۴۱۳ق.
۱۷. داوری، مسلم، *اصول علم رجال*، تصحیح حسین عبودی، قم: مؤسسه المحبین، ۱۴۲۶ق.
۱۸. زبیدی، مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، لبنان: دارالفکر، ۱۴۱۲ق.
۱۹. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، *تدریب الراوی فی شرح تقریب النووی*، قاهره: چاپ عبدالوهاب عبداللطیف، ۱۳۸۵ق/۱۹۶۶م.
۲۰. شبیری، محمدجواد، «توقیع» در *دانشنامه جهان اسلام*، تهران: دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۸۳ش.
۲۱. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، *الرعاية فی علم الدراریة*، اخراج و تعلیق و تحقیق عبدالحسین محمدعلی بقال، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۰۸ق.
۲۲. عمیدی حسینی، ثامر، *رسائل الاثمه*، بغداد: دار السلام، ۱۴۳۶ق.
۲۳. غلامعلی، مهدی، *سبک‌شناخت کتاب‌های حدیثی*، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۸ش.
۲۴. صدر عاملی کاظمی، سید حسن، *نهایة الدراریة فی شرح الرسالة الموسومة بالوجیزة للبهائی*، قم: چاپ ماجد غرباوی، ۱۴۱۳ق.
۲۵. صدوق، محمد بن علی، *الخصال*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
۲۶. _____، *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*، تهران: اسلامی، ۱۳۹۵ق.
۲۷. _____، *من لایحضره الفقیه*، تهران: چاپ علی‌اکبر غفاری، ۱۳۹۲ق.
۲۸. طباطبایی، سید کاظم، *تاریخ حدیث*، تهران: انتشارات نخبست، ۱۳۸۸ش.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن، *الاستبصار*، حسن موسوی خراسان تهران: دار الکتب اسلامی، ۱۳۹۰ق.
۳۰. _____، *تهذیب الاحکام*، حسن موسوی خراسان، تهران: دار الکتب اسلامی، ۱۴۰۱ق.
۳۱. _____، *الرجال*، تصحیح جواد قیومی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمی، قم، ۱۳۷۳ش.
۳۲. _____، *الغیبة*، قم: چاپ عبدالله طهرانی و علی احمد ناصح، ۱۴۱۱ق.
۳۳. _____، *الفهرست*، نجف: مکتبه الرضویه، بی‌تا.
۳۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، قم: هجرت، ۱۴۱۰ق.
۳۵. کشی، محمد بن عمر، *اختیار معرفة الرجال (تلخیص) طوسی*، مشهد: چاپ حسن مصطفوی، بی‌تا.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران: دار الکتب اسلامی، ۱۴۰۷ق.

۷۴ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال سیزدهم، شماره بیست و پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۰

۳۷. کنی تهرانی، علی، توضیح المقال فی علم الرجال، قم: چاپ محمد حسین مولوی، ۱۳۷۹ش.
۳۸. مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایة فی الروایة، قم: منشورات دلیل ما، ۱۳۸۵.
۳۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۴۰. محقق خوانساری، حسین بن محمد، مشارق الشموس فی شرح الدروس، قم: آل البيت (ع) لاحیاء التراث، بی تا.
۴۱. محمودی، محمدباقر، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، نجف: النعمان، ۱۹۶۸م.
۴۲. معارف، مجید، تاریخ عمومی حدیث، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۹۴ش.
۴۳. ———، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری ضریح، ۱۳۷۶ش.
۴۴. ———، شناخت حدیث، تهران: انتشارات نبا، ۱۳۸۷ش.
۴۵. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان، قم: چاپ مجتبی عراقی و همکاران، ۱۴۰۲-۱۴۰۶ق.
۴۶. میرداماد، محمدباقر بن محمد، الرواشح السماویة، قم: چاپ غلامحسین قیصریه‌ها و نعمت‌الله جلیلی، ۱۳۸۰ش.
۴۷. مهتدی‌راد، نوید، اعتبار و جایگاه مکتوبات امامان معصوم پس از صادقین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده اصول‌الدین تهران، استاد راهنما: مجید معارف، ۱۳۸۸ش.
۴۸. نجاشی، احمد بن علی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی، چاپ موسی شبیری زنجانی، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی